

بررسی اسلوب‌های بلاغی در شعر پایداری مصطفی وهبی التل در تطبیق با مفاهیم و تشبیهات مقاومت در پوستره‌های مدافعان حرم

چکیده

یکی از انواع شاخه‌های ادبی و هنری، نوع پایداری یا مقاومت است. در این میان، شاعران و هنرمندان بسیاری این گونه را برگزیده‌اند. مصطفی وهبی التل از شاعرانی است که این سبک ادبی را برگزیده است. این نوع ادبی و هنری، در پوستره‌ها مربوط به جنگ‌ها نیز دیده می‌شود. این پژوهش به دنبال بررسی عناصر بلاغی در شعر پایداری وهبی و پوستره‌های دفاع مقدس است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. بررسی‌ها نشان داد شاعر با استفاده از ترفند پارادوکس، توانسته دست به بازآفرینی مفاهیم و برجسته‌سازی واقعیات تلخ ملت و وطنش ببرد. در رابطه با نوع تشبیهات مورد استفاده شاعر در مجموع می‌توان گفت که بیش‌تر تشبیهات وی، از نوع مبتذل و سطحی هستند؛ چراکه طرفین تشبیه و ادات و حتی در مواردی وجه شبه در آن کاملاً محسوس بوده و آورده شده است. می‌توان گفت که شاعر در زمینه‌ی استفاده از عنصر ادبی تلمیح، چندان در عمق حرکت نکرده و درک و دریافت این‌گونه تلمیحات در شعر وی نیاز به کوشش چندان ندارد. نکته قابل تأمل در رابطه با انتخاب اوزان عروضی این شاعر، استفاده از اوزان عروضی مختص به خمیه و یا غزل جهت طرح مسائل ادبیات مقاومت است. شاید بتوان گفت که قبل از بررسی هرگونه مضمون ادب مقاومت در اشعار این شاعر و نیز تناقضات موجود در آن، می‌توان این تناقض مضمونی و ساختاری را دید. نکته ادبی متمایز اشعار عرار و نیز نقطه ثقل و نقطه عطف تحلیلی اشعار وی، در پدیده کاربست صور بیانی مضاعف و تراجم تصاویر رقم خورده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اسلوب‌های بلاغی و پارادوکس در اشعار پایداری مصطفی وهبی التل.
۲. بررسی عناصر مقاومت در پوستره‌های دفاع مقدس.

سؤالات پژوهش:

۱. مصطفی وهبی التل در اشعار پایداری خود از چه اسلوب‌های بلاغی استفاده کرده است؟
۲. عناصر مقاومت و پایداری چه بازتابی در پوستره‌های دفاع مقدس دارد؟

کلیدواژه‌ها: اسلوب‌های بلاغی، مصطفی وهبی التل، پارادوکس، ادب مقاومت.

مقدمه

امروزه مفهوم پایداری در ادبیات و هنر جهان و به‌ویژه در دوره معاصر بسیار گسترش داشته است. البته ادب پایداری در گذشته دور نیز وجود داشته است. این نوع ادبی و هنری از سایر انواع متفاوت است و ویژگی‌های خاص خود را دارد، و سرچشمه گرایش ملی-مذهبی در ادبیات پایداری را نیز باید در دوران مشروطیت جست‌وجو کرد (آدمیت، ۱۳۳۵: ۲۶۴). ادبیات پایداری، ادبیات توفنده و پرتلاطمی است که آلودگی به یأس و سکون را نمی‌پذیرد و بسان روح، پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می‌شود (بصری، ۱۳۸۷: ۹۱). هنر و ادبیات مقاومت ادبیاتی ماندگار، پویا و فعال است که به مرزهای جغرافیایی و زمان خاصی محدود نمی‌شود. هدف این ادبیات رشد و تعالی جامعه و برپایی عدالت است. عنوان ادبیات پایداری و مقاومت به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون فشار، ظلم و ستم و عدم آزادی‌های فردی و اجتماعی است. «ادبیات مقاومت از آن‌جا که بیانگر درد و رنج‌هایی است که در برهه‌های تاریخی بر ملت‌ها و یا بخشی از آن‌ها می‌گذرد؛ از این رو پیوسته نمایشگر اضداد است، مرگ را در برابر حیات و آزادی را در مقابل اسارت مطرح می‌کند» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۴). این ادبیات وقتی می‌تواند تأثیرگذار باشد که هدفمند باشد. بخشی از ادبیات اردن را ادبیات مقاومت دربر می‌گیرد. ادبیات مقاومت اردن، شاعران و نویسندگان بزرگی را در خود پرورش داده است. از جمله آنان مصطفی وهبی التل است. مصطفی وهبی التل معروف به عرار (۱۸۹۹-۱۹۴۹م) از بزرگ‌ترین شاعران، نویسندگان و ناقدان استعمار ستیز اردن و جهان عرب و از سرآمدان ادب پایداری در عصر خود است. وی شخصیتی سیاسی داشت و در دوره‌هایی به پست‌های دولتی مهمی منصوب شد، اما به سبب رویکرد آزادی‌خواهانه و ضد استعماری، بارها از کار برکنار و رنج تبعید و زندان را متحمل شد. وی آگاهی عمیق و ژرف‌نگرانه از اوضاع جهان عرب را در خدمت قدرت عربی خود در شعر و نثر قرار داد، و به دفاع از ملت استعمار شده و نیز تشویق روحیه پایداری و مقاومت پرداخت. سادگی و سلیس بودن عبارات و مضامین، التزام و تعهد، به کارگیری رمز در شعر از ویژگی‌های برجسته‌ی شعر او است. او علاوه بر دیوان بزرگ شعری، مقالات متعددی به رشته تحریر درآورده است که در روزنامه‌های مختلف از جمله: الجزیره و مجلات الناقد، منیرف‌اللبنانیة، الجامعة الإسلامیة، السیاسة الأسبوعیة به چاپ رسیده است.

وهبی التل که شاهد اشغال فلسطین و تحولات جهان عرب بود، تلاش کرد با بیانی هنرمندانه در شعر و نثر درمورد شرایط حاکم بر جهان عرب دست به روشنگری بزند. اگرچه ادبیات پایداری، زاده شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، فقدان آزادی‌های فردی و اجتماعی، مقابله با پایگاه‌های فاسد و نامشروع قدرت و دفاع از سرزمین و سرمایه‌های ملی آن است، اما این ادیب است که با ابزاری ادبی، به نبرد با چنین شرایطی شتافته و نوع انسان را نسبت به واکنش در مقابل تجاوزها و نابرابری‌ها، دعوت می‌کند. مصطفی وهبی التل، معروف به عرار (۱۸۹۹-۱۹۴۹م)، از جمله ادبای جامعه اردن است که در همین راستا، قلم‌زنی کرده و با کاربست ابزار شعر و ادب، در پی احقاق حقوق ملی و وطنی خود و هم‌میهنانش و نیز بازگشت انسان ستمدیده و مظلوم به جوهره آزاد فطری و انسانی‌اش است. اگرچه مفاهیم به‌کار برده شده توسط عرار، موضوعات و مفاهیم عمومی ادب مقاومت همچون وطن‌پرستی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و... بوده است، اما آن‌چه موجبات تمایز اشعار و آثار منشور وی را در زمینه ادب مقاومت به وجود آورده، سبک ادبی منحصر بفرد و شخصی وی است که بارزترین نمود چنین اسلوبی را می‌توان در عناصری همچون پارادوکس، سخریه و

تزام تصویر می‌مشاهده کرد. ادبیات پایداری بیانگر تلاش ادیبان مبارزی است که قلم خود را چون سلاحی برای رهایی سرزمین، فرهنگ و هویت خود از چنگال تجاوزگران و ستمگران به خدمت گرفته‌اند، و ادبیات آن‌ها نمود دردها و رنج‌هایی است که در برهه‌ای از تاریخ بر ملت‌های افکنده است. ادبیات مقاومت امروز از جایگاه خاصی در بین ملت‌ها برخوردار است. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی اسلوب‌های بلاغی در شعر پایداری مصطفی وهبی التل بپردازد. طبیعتاً آن‌چه که به ادب حیات می‌بخشد و جوهره وجودی و ماهیت متمایز و تأثیرگذار آن محسوب می‌شود، همان اسالیب بلاغی هستند که انواع گسترده‌ای داشته و در زیرمجموعه‌هایی چون علم معانی، بیان و بدیع، قابل بحث و بررسی می‌باشند. البته می‌بایست بدین نکته اشاره نمود که کاربرد گسترده از دانش‌های ادبی و سه‌گانه بلاغت، به معنای موفقیت اثر ادبی نبوده، بلکه آن‌چه موفقیت ادیب (شاعر یا نویسنده) را در این حوزه رقم می‌زند، استفاده از عناصر بلاغی جهت تأثیرگذاری هر چه بیشتر و انتقال احساسی و عاطفی پیام مورد نظر، به مخاطب است. در این میان، عرار نیز از جمله ادیبانی است که به نحوی چشمگیر و شایان توجه، عناصر بلاغی را جهت انتقال پیام مقاومتی خود و نیز تصویر و ترسیم جامعه اردن، در بعدی وسیع به کار بسته است که در ادامه به شرح و بسط مهم‌ترین این عناصر بلاغی می‌پردازیم. در دوره معاصر و با تداوم جنگ‌ها، هنر از نوع پایداری نیز تداوم داشته است. هنر منعکس شده در پوسترها، یکی از جلوه‌گاه‌های بازتاب هنر پایداری و مقاومت است. در این میان، پوستره‌های مربوط به مدافعان حرم نیز قابل بررسی است. لذا در این پژوهش مقاومت در این پوسترها نیز بررسی می‌شود. مطالعه پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا نگارنده بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع بپردازد.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی اسلوب‌های بلاغی در شعر پایداری مصطفی وهبی التل و تشبیه در مقاومت در پوستره‌های مدافعین حرم بود. پارادوکس یا ناسازواری هنری از هنجارگریزی معنایی و یکی از مهم‌ترین عناصر شعری عرار محسوب می‌شود. پارادوکس به دلیل حضور پررنگ و کاربرد گسترده در شعر شاعر، یکی از مقوله‌های مهم نقد ادبی شعر وی است و بررسی الگوی اشعار دارای پارادوکس، از مهم‌ترین اهداف این پژوهش بوده است. به‌عبارتی دیگر، شاعر با استفاده از پارادوکس، موجبات برجسته‌سازی سخن خویش را فراهم آورده و نیز نشان‌دهنده‌ی آن است که پارادوکس در دیوان وی، تنها جهت زیبایی‌آفرینی ادبی ساخته نشده و نشان‌دهنده‌ی مفاهیم متناقض هست و شاعر در این‌گونه متناقض-نماها، واقعیت را ارائه می‌دهد.

شاعر با استفاده از ترفند پارادوکس، توانسته دست به بازآفرینی مفاهیم و برجسته‌سازی واقعیات تلخ ملت و وطنش بپردازد. کاربرد مفاهیم ناسازوار در شعر شاعر و نیز پارادوکس‌های موجود، مخاطب شاهد جمع اضداد ابزار ادبی شاعر یعنی عقل و احساس در بستر ادبیات است. از این مسئله می‌توان این‌گونه برداشت کرد که تناقض و پارادوکس نه تنها در آثار ادبی شاعر، بلکه در روح و جان و جوهره‌ی شخصیتی وی نیز در لایه‌هایی عمیق حضور داشته است و ادبیات، تنها ابزاری جهت به نمایش درآوردن و محسوس و ملموس نمودن این ویژگی و خصوصیت انسانی شاعر بوده است. در رابطه با نوع تشبیهات مورد استفاده شاعر در مجموع می‌توان گفت که بیش‌تر تشبیهات وی از نوع مبتدل و سطحی هستند؛ چراکه طرفین تشبیه و ادات و حتی در مواردی وجه شبه در آن کاملاً محسوس بوده و آورده شده است. از دیگر عوامل ابتدال در تشبیهات شاعر، استفاده پرتکرار از تشبیهات محسوس به محسوس است. بنابراین شاعر در زمینه‌ی استفاده ساختاری از آرایه ادبی تشبیه، در سطح حرکت می‌کند، اما به لحاظ مضمونی، در خدمت مضمون و

وحدت موضوعی قصاید و برجته‌سازی دیگر مضمون‌آفرینی‌های ادبی همچون پارادوکس قرار گرفته و انسجامی قدرتمند به اشعار وی، بخشیده است. می‌توان گفت که شاعر در زمینه‌ی استفاده از عنصر ادبی تلمیح، چندان در عمق حرکت نکرده و درک و دریافت این‌گونه تلمیحات در شعر وی، نیاز به کوشش چندان‌ی ندارد یکی از دلایل این سطحی بودن تلمیحات، استفاده مکرر و پربسامد از آن دسته اماکن جغرافیایی است که هرکدام در تاریخ سیاسی و مقاومتی عرب، حادثه‌ای بزرگ در دل خود داشته که همین حوادث، زمینه‌ی شهرت این اماکن جغرافیایی را فراهم کرده است. در عین حال، باید به این نکته نیز معترف بود که ادب مقاومت وی، بیش‌تر صبغه‌ی بومی و فرهنگی عرب را داشته و تنها عرب‌زبانان و نیز محققان و دانش‌پژوهان ادب و تاریخ عربی، می‌توانند به کنه این نوع از ادب پی‌ببرند و به عبارتی دیگر، ادبیات مقاومت این شاعر، بیش‌تر در بستر بومی‌سازی این نوع از ادبیات حرکت کرده و کمتر می‌توان نمونه‌های ادب مقاومت مشترک جهانی را در آن مشاهده کرد.

نکته قابل تأمل در رابطه با انتخاب اوزان عروضی این شاعر، استفاده از اوزان عروضی مختص به خمریه و یا غزل جهت طرح مسائل ادبیات مقاومت است. شاید بتوان گفت که قبل از بررسی هرگونه مضمون ادب مقاومت در اشعار این شاعر و نیز تناقضات موجود در آن، بتوان این تناقض مضمونی و ساختاری را دید؛ به عبارت دیگر طرح مضامین مقاومتی در قالب شعری غزل و نیز استفاده از بستر مفاهیم عاشقانه و کلاسیک ادب عرب تا حدود بسیاری منجر به فروکش نمودن شور و شوق حماسی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی شعر مقاومت و نیز جوهره آن، در ضمن این‌گونه اشعار شده است. دقیقاً به همین دلیل است که در بخش قابل توجهی از اشعار شاعر نشان چندان‌ی از جوش و خروش کلمات و احساسات و تشویق و تهییج مخاطب در ضمن اشعار، مشاهده نمی‌شود.

نکته ادبی متمایز اشعار عرار و نیز نقطه ثقل و نقطه عطف تحلیلی اشعار وی، در پدیده صور بیانی مضاعف و تزاخم تصاویر رقم خورده است؛ بدین صورت که، استفاده تنگاتنگ و پربسامد از انواع آرایه‌های علم بلاغت، نه تنها موجب تعقید و غموض اشعار عرار و سنگینی فضای قصاید نشده است، بلکه چنین حجم انبوهی از آرایه‌ها، در ارتباطی علت و معلولی با خروجی تصاویر شاعرانه‌ی پارادوکسی و ناسازوار، مور کاربرد قرار گرفته و ارتباطی منسجم و مضمون‌محور ایجاد نموده‌اند. گونه‌های مختلف صور بیانی مضاعف مانند تشبیه در تشبیه، کنایه و مجاز در تشبیه، تشبیه، استعاره، تشبیه در ایهام، تلمیح در تشبیه، تلمیح تشبیهی دینی و ... از جمله این صور بیانی مضاعف محسوب می‌شوند که مورد استفاده هنرمندان شاعر قرار گرفته‌اند. این تشبیه موجود در نوع ادبی پایداری در هنر پایداری و به خصوص پوستره‌های دفاع مقدس وجود دارد و در قالب رنگ‌ها و کنش‌ها نمود یافته است.

منابع و مأخذ:

- آدمیت، فریدون. (۱۳۳۵). اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران: پیام.
- براهنی، رضا. (۱۳۴۷). طلا در مس، تهران: انتشارات کتاب زمان.
- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۷). "طرح و توضیح چند سوال‌درباره مبانی ادبیات پایداری"، نامه پایداری «مجموعه مقالات اولین کنگره‌ی ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان»، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- تقوی، نصراله. (۱۳۱۷). هنجار گفتار: در فن معانی و بیان و بدیع فارسی، تهران: نور.
- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۹۲). معالم البلاغه. شیراز: فارابی.
- داد، سیما. (۱۳۷۵). فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- زرکشی، بدرالدین. (بی‌تا). البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار المعرفة.
- ثمره، یدالله. (۱۳۶۴). آواشناسی زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). شعر معاصر عرب، تهران: انتشارات سخن.
- (۱۳۵۰). صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات نیل.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). انواع ادبی، تهران: انتشارات فردوس.
- (۱۳۸۸). نقد ادبی، تهران: انتشارات میترا.
- شهسواری، علی و همکاران. (۱۳۹۸). "بررسی سبک‌شناسانه تشبیه و صور بیانی مضاعف در چهار مثنوی از خزائن الملوک صالح، صبحی. (۲۰۰۲). دراسات فی اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
- عبدی بیگ شیرازی"، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره سوم، صص ۲۶۴ - ۲۸۴.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد. (۱۴۰۶). إحياء علوم الدين، بیروت.
- فاطمی، فریمه و توحیدی، فاطمه. (۱۳۹۴). «کارکردهای هنر مفهومی در مفاهیم هنر مقاومت». فصلنامه پیکره، دوره ۴، ش ۷، صص ۱۶-۱.
- لاشین، عبدالفتاح. (۱۴۱۹ق). البديع فی ضوء أساليب القرآن، قاهره: دارالفکر العربی.
- محسنی‌نیا، ناصر. (۱۳۸۸). "مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب"، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲، صص ۱۲-۱.
- مطلوب، احمد. (۲۰۰۰م). معجم مصطلحات البلاغیة وتطورها، بیروت: مکتبه لبنان - ناشرون.
- هاشمی، سید احمد. (۱۳۸۹). جواهر البلاغۃ فی المعانی و البیان و البديع. چاپ پنجم، تهران: الهام.